

اخلاق در

وجدان کار، پایبندی به قراردادها و پرهیز از تظاهر، تملق، چاپلوسی بدانیم خروجی نظام آموزشی را چنانچه در نقطه مقابل چنین ارزش‌هایی ندانیم باید گفت از آن فاصله دارد. هم‌چنانکه پیش از این آمد اخلاق مجموعه قواعد مشترک و ارزش‌هایی است که همه افراد آن را مطلوب و شوق‌انگیز می‌دانند و از روی آگاهی و آزادی و میل و رغبت می‌پذیرند. اما مطلوبیت ارزش‌های اخلاقی نه از جنس لذت و منفعت یا موفقیت که از جنس معنویت، عدالت، انصاف، دگرخواهی، دوستی و عشق، کمک، خیرخواهی و ایثار و از خودگذشتگی است. جامعه‌شناسان معتقدند اخلاق از جایی شروع می‌شود که دگرخواهی شروع می‌شود و رفتاری که هدف از آن نفع خود یا نزدیکان و یا حتی صیانت از خود است اخلاقی تلقی نمی‌شود. اخلاق مهار خواهش و تمنای نفسانی و کنترل نیازهای فردی

اگر اخلاق اجتماعی را مجموعه قواعد مشترک انتظام بخشی تعریف کنیم که متضمن خیر اجتماعی است و کنش و رفتارهای ما را منظم و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند. نظام آموزشی ما چه میزان از چنین قواعد و مهارت‌هایی را به دانش‌آموزان می‌دهد؟ اگر اخلاق را نقشه راه زندگی اجتماعی تعریف کنیم که ما را از سردرگمی و بلاتکلیفی در دوره‌های و چندراهی‌های زندگی نجات می‌دهد و امکان‌گزینش، انتخاب، تصمیم‌گیری و رفتار مطلوبیت را در اختیار ما قرار می‌دهد، آیا نظام آموزشی ما چنین نقشه‌ای را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد؟ اگر اخلاق را مقوم ارزش‌هایی چون عدالت، انصاف، دگرخواهی و احساس مسئولیت اجتماعی بدانیم، نظام آموزشی موجود به تحکیم و تقویت چنین ارزش‌هایی چقدر کمک می‌کند؟ اگر تجلی اخلاق را در راست‌گویی، امانت‌داری، درست‌کاری،

محقاق

فریبرزیات

چنین رویکردی به جای پیوند اجتماعی و گره زدن افراد به جامعه آنها را در یک رقابت نفس گیر و کشنده در مقابل هم قرار می دهد.

این تلقی از مطلوبیت، منافع و خیر اجتماعی را به هیچ می انگارد و تمام هم و غم افراد را در پیگیری منافع فردی قرار می دهد. افراد تشویق می شوند در جهت رسیدن به چنین منافع هر قاعده و قانونی را به انحاء مختلف زیر پا گذارند یا دور بزنند.

چنین رویکردی به جای قواعد جمعی که ما به اشتراک همه است و افراد را به احساس مسئولیت نسبت به جامعه وا می دارد، بر تمایلات یا منافع و علائق نامشترک و شخصی تأکید می کند.

این رویکرد آموزشی، اخلاق را در محقق قرار می دهد و آموزش جای پرورش و تربیت اجتماعی را می گیرد. این همه در حالی است که رسالت اساسی و اول نظام آموزشی تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان است و نه آموزش تکنیک ها، الفبا و اعداد. چنین به نظر می رسد که در جامعه ما به جای آموزش و پرورش، «آموزش بدون پرورش» جریان دارد.

در جهت منافع و خیر اجتماعی است. اما مطلوبیت در نظام آموزشی موجود در چیست! نظام آموزشی، ما از آموزش دروس و تکنیک های مختلف چه هدفی را دنبال می کند؟ موفقیت نظام آموزشی با چه متد و معیارهایی اندازه گیری می شود؟

در جهتی مغایر با اسناد بالادستی، محفوظات بیشتر، کسب نمره بالاتر، ارتقا به پایه بالاتر، موفقیت در کنکور و ورود به دانشگاه به دست آوردن شغلی پردرآمد و راحت و افزایش ثروت و در نهایت موفقیت مالی در زندگی مهم ترین اهدافی است که عملاً نظام آموزشی و به تبع آن دانش آموزان دنبال می کنند.

با چنین وضعی مطلوبیت از دیدگاه نظام آموزشی یعنی لذت، منفعت و موفقیت مالی در زندگی. افراد تشویق می شوند برای رسیدن به چنین موقعیتی در درجه اول تنها به خود فکر کنند و نه دیگران، منفعت و لذت فردی را بر دوستی، عشق، عدالت، انصاف، دگرخواهی ترجیح دهند و در همه انتخاب ها و تصمیمات خود تنها به یک معیار و هدف فکر کنند: موفقیت مالی و شغلی. چنین رویکردی در نظام آموزشی، اخلاق و ارزش های اجتماعی را کنار می گذارد یا تعلیق می کند و برعکس آموزش مهارت و تکنیک های موفقیت فردی را تشویق و ترغیب می کند.